

ششمه : اهل سنت در باره حدیث غدیر و جانشین امام علی (ع) اشکالی مطرح نمودند صحنی برانید، آنکه پیامبر (ص) علی (ع) را به خلافت منصوب نمود، چرا در روزهای آخر عمر خود، ابوبکر را برای چهار مرتبه برگزیده است.

جواب :

۱- اصل داستان : داستان از این قرار است که پیامبر در راه مدینه بود که بیمار بودند و به فاطمه زهرا که با ایشان دادند به عنوان آنکه بین متابعین با اقدامات منافقین در حضور واقعه غدیر و خالی نمودن مدینه از وجود آنها بود از وفات خود لشکرهای ارتش اسامه بن زید ترتیب داد و هزار نفر منافقین را با اسم مشخص کرد و فرمود اینها مرا با این لشکر به سوی رومیان در شام حرکت کنند که در این میان حضور ابوبکر و عمر تا کعبه فراوانی که رفتند. البته منافقین هرگز به بهانه ای به مدینه باز نمیگشتند. یکی از کسانی که در بازگشت ابوبکر و عمر از لشکر اسامه دست داشت، عایشه بود. آنان که در مکه بودند پیامبر (ص) دست داشتند پس از حرکت لشکر نه در اسامه آمدند و گفتند ما در چنین شرایطی کجا برویم، اکنون پیامبر (ص) در حال مدگ است و چرا مدینه را فانی نگذاریم و بدین ترتیب برگردانند. آنگاه یکتند را نزد عایشه فرستادند تا از اخبار مطلع شوند و عایشه هم که میانه میزد مشکوک، نان نریزه سهمیه است و گفت نزد پدرم و محمد بروید و به نان بگوئید پیامبر (ص) مشرف به مدگ شده و از میان خود حرکت نکنند و من اخبار را به شما می رسانم عایشه می دید که هرگاه پیامبر (ص) می تواند برای مسجد برود علی (ع) را به جای خود می فرستد به صهیب غلام محمد دستور داد تا سراج پدرش ابوبکر برود و از او بخواهد که صبح نماز کند آنکه به جای علی (ع) به حجاب برود و نماز بخواند. آن شب آنها به مدینه آمدند و پیامبر (ص) در حال بیماری فرمود : امشب شد غلظتی وارد مدینه شده است صبح برای نماز صبح ابوبکر قبل از آمدن علی (ع) وارد مسجد شد و به سوی حجاب رفت و ادعا کرد که به دستور پیامبر (ص) آمده اند و مردم هم اعتراضی که در نزد پدر لشکر اسامه

را بر ما کرده و بلال را فرستادند تا از پیامبر خبر بگیرند. وقتی بلال خبر داد پیامبر  
دادند حضرت فرمود سرا بلیکه کنید و به مسجد بفرستید. قسم پیکر جانم به دست  
اوست فتنه و بلاهای عظیمی بر اسلام نازل شده است. حضرت در حالتی که با اعراب  
ایشان بر زمین کشیده می‌شدند و زیر بغلها ایشان حضرت بجا آمد و حضرت بن عباس  
که فتنه بودند وارد مسجد شدند و با خود که در راه اعراب ایستاده بود و کمره ابو سعید  
سالم، صهیب اهداف او را گرفته بودند تا نماز شروع شود. مردم یاد یون پیامبر که با  
آن حال وارد مسجد شدند بطلب را بسیار مهم شمرده بودند. پیامبر در وقت و او بود که  
را از پشت سر کشید و او را دور کرد و آنها هم متذکر شدند و سپس پیامبر (ص) نماز  
خواندند و پس از نماز فرمود: ای مردم از پسدا بوقعا ف و امعایشش تعبیب شما کنید  
که آنها را تحت فرمان اسلام قرار دادم ولی مخالفت کردند و بیای ایجاد فتنه  
به مدینه بازگشتند. و بعد از آن مهتابی را نیز بیان داشتند (از حدیث ثعلبیین)

۲- مهمترین روایات وارده در این باب (استخلاف) و یا جانشینی ابوبکر از سوی  
رسول خدا (ص) بلافاصله در اوایل روزهای عمر شریف آن حضرت است که مجموعاً  
یا زاده روایت است، حاوی یک روایت از مومنانک و ده روایت از ضعیف  
بخاری است که تماماً بررسی سندی شده که همه ضعیف و یا مرسل بوده و در  
سلسله سده آن مشکلات اساسی وجود داشته است و البته در دلالت آن  
به قدری تعارض و تناقض وجود دارد که هرگونه اکتفا به این روایات را منافی  
می‌سازد.

۳- به عنوان نمونه یک روایت از ده روایت بخاری را بیان می‌کنیم. در تمامی روایات  
بخاری پایه و اساس اکثر روایات فوق، همیشه است، زیرا او در این مسئله  
اساسی دارد.

**روایت بخاری:** آنها می‌گویند پیامبر در بستر بیماری می‌پرسد که مردم نماز  
خوانند یا نه و می‌گویند خیر منتظره شما هستند و پیامبر چندین مرتبه بی‌هوش  
می‌شوند و سپس شخصی را می‌نمایند تا به ابوبکر بگوید به جای او نماز بخواند  
-۲-

و ابوبکر هم می‌خواند و وقتی پیامبری بجهت می‌شوند به مسجد می‌روند و ابوبکر  
که پیامبر را دید خواست که به عقب برگردد ولی پیامبر با اشاره گفت که نرو  
و سپس دستور داد او را کنار ابوبکر بنشانند. راوی می‌گوید ابوبکر نمازش  
را با اقتدا به پیامبر خواند و مردم هم به ابوبکر اقتدا که ده بودند. آیا واقعاً  
محجیب نیست وقتی نماز پیامبر (ص) صلوات بر او است که ابوبکر می‌خواند حضرت  
اقتدا کند چه مردم به حضرت اقتدا کنند. آیا چنین نمازی در حدود ۲۳  
سال نبوت سابقه داشته. آیا اقتدای مردم به ابوبکر با وجود رسول خدا (ص)  
از فضیلت نماز نبی کاهد. یا با توجیه اینکه ابوبکر نماز را با قدرت مده نماز  
کرده و تادیبی هم تدریجاً را ادامه داده و سپس رسول خدا (ص) می‌آیند و  
به نماز می‌ایستند و قدرت نماز را از اول آن نماز می‌کنند، حال ابوبکر که خود محمد  
و سوره نماز را قطع و به پیامبر اقتدا می‌کند و سکوت می‌کند و مردم هم همچنان  
امام جماعتشان ابوبکر است، این چگونه نمازی است که نه ما مومنین (مردم)  
و نه امام جماعت (ابوبکر) هیچکدام هم سوره نمی‌خوانند، نماز را با توجیه  
پیش‌های فوق این چنین نمازی از رسول خدا (ص) برای مستقیمین حدیث  
هم می‌سابق و محجیب و غریب بوده.

منابع:

۱- کتاب واقعه قرآنی غدیر از محمد باقر انصاری (اصول داستان) و بعد الانوار ج ۲۸  
ص ۱۱۲-۱۱۳  
۲- سایت fa.wiki.fegho.ir